

تفاوت های «تربیت کردن» با «تربیت شدن»

بیشتر والدین می پندارند که برای تربیت فرزندان موفق، خلاق، خردورز و متفکر باید هر لحظه با کودکان بود و به آن ها امر ونهی کرد ...



سلامت نیوز : بیشتر والدین می پندارند که برای تربیت فرزندان موفق، خلاق، خردورز و متفکر باید هر لحظه با کودکان بود و به آن ها امر ونهی کرد و اگر کودک یا نوجوانی دچار خطایی شد، باید بلافاصله با او برخورد شود؛ در این شرایط تنش ها بین والدین و کودک یا نوجوان به اوج خود می رسد و لزوم ایجاد شرایط مناسب برای پرورش کودک خردمند و متفکر به کلی فراموش می شود. در حالی که همه کارشناسان تربیتی بر این نکته تاکید می کنند که والدین در مرحله اول باید فرزندشان را با هر ویژگی که دارد بپذیرند، به علایق و خواسته های او توجه کنند و او را به گونه ای پرورش دهند که خودش می خواهد. باید دانست بین تربیت کردن و تربیت شدن تفاوت هایی وجود دارد که اغلب ما والدین از آن غافلیم.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از خراسان ؛ حسین سلیمان پورمقدم کارشناس ارشد روان شناسی تربیتی و عضو نظام روان شناسی، به این تفاوت ها اشاره می کند و در ادامه مطلب راهکارهایی به والدین ارائه می دهد. وقتی درباره تربیت کودکان سخن به میان می آید و مفاهیمی مانند خردورزی، توانایی حل مسئله، خلاقیت و شیوه های تربیتی مطرح می شود، همیشه این سوال وجود دارد که چگونه می توان در تربیت کودکان به هر یک از مولفه های یاد شده دست یافت؟ آنچه قبل از هر نکته ای باید به آن پرداخت، بیان تفاوت « تربیت کردن« با « تربیت شدن« است، دو شیوه تربیتی که کاملاً با یکدیگر متفاوت است.

حال این سوال مطرح است که آیا باید کودک را تربیت کرد یا زمینه تربیت شدن او را فراهم کرد؟ و کدام یک از این شیوه های تربیتی بهتر است؟

در تربیت کردن، کودک مطابق میل والدین پرورش می یابد و فردی می شود که والدین دوست دارند اما در تربیت شدن تحت نظارت والدین، کودک فردی می شود که خودش می خواهد. در این روش مراقبت شدید والدین پذیرفته شده نیست. در « تربیت کردن« از کنترل های بیرونی مانند نصیحت، تذکر، مقایسه، تهدید، تشویق، تنبیه و... استفاده می شود اما در روش « تربیت شدن« از کنترل های درونی مانند نظم دهی، خود کنترلی و انگیزه های درونی استفاده می شود که این روش به خویشنداری، رشد اخلاقی و کمال انسانی می انجامد.

در « تربیت کردن« اگرچه افرادی به ظاهر مطیع و منضبط پرورش می دهیم اما این افراد منزوی و دچار استرس هستند و اعتماد به نفس ندارند. اگر والدین به دنبال تربیت فرزندان متفکر، خردورز و خلاق هستند، نمی توانند با تعیین مقررات خود ساخته به این مهم دست یابند. والدین باید به این نکته توجه کنند که با بایدها و نبایدهای بیش از حد، زمینه رشد خلاقیت، انگیزه و تفکر مثبت در فرزندشان از بین می رود.

کودکان ما قبل از این که فرزند ما باشند انسان اند و اگر به این نکته توجه کنیم، کودکان در هر شرایطی قابل احترام اند و والدین وظیفه دارند زمینه رشد آن ها را فراهم کنند نه این که آن ها را رشد دهند. والدین باید به گونه ای رفتار کنند که فرزندان به جای حساب بردن از آن ها، به پدر و مادر اطمینان کنند. باید رفتارشان طوری باشد که فرزندان به آن ها احترام بگذارند نه این که فرزندان را وادار به احترام گذاری کنند. این امر محقق نمی شود مگر با اعمال شیوه های درست تربیتی.

راهکار درست تربیتی

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به روش صحیح تربیتی می افزاید: بر اساس این شیوه باید به کودکان عشق ورزید، به آن ها محبت کرد، در گفت و گو با آن ها از واژه های همراه با احترام و ادب از جمله «ممکن است«، «می شود«، «خواهش می کنم« و... استفاده کرد. از طرفی والدین در کنار ابراز عشق، صمیمیت و محبت باید قاطعیت داشته باشند و در اعمال شیوه های تربیتی هماهنگ عمل کنند.

به عبارتی عشق ورزیدن به کودکان، ابراز محبت کلامی، بیان درست پیام‌ها و رعایت احترام، صمیمیت، اقتدار لازم و هماهنگی در تربیت باعث می‌شود که استعدادهای فرزندانمان شکوفا شود. چنان‌که ائمه بزرگوار ما نیز به این نکته اشاره کرده‌اند، انسان‌ها مانند معادن طلا و نقره هستند که باید استخراج شوند، بنابراین لازم نیست ما به فکر ایجاد طلا و نقره باشیم بلکه کودکان از ظرفیت کافی برخوردارند و والدین باید بدانند که چگونه می‌توان این استعدادها را شکوفا کرد.

برای استخراج این استعدادها به روش‌های صحیح تربیتی نیاز داریم و بی‌گمان این روش‌ها تذکر، تنبیه، باید و نباید نیست. اما سوال این است که چگونه می‌توان کودکانی خلاق، توانمند، صاحب‌خرد اجتماعی و توانا در حل مسئله تربیت کرد. در این راستا پیشنهاد می‌شود والدین از همین امروز تلاش کنند کنترل‌های بیرونی و فشارهای بی‌مورد را کم‌کم کاهش دهند و در مقابل انگیزه‌ها و کنترل‌های درونی را ایجاد کنند یعنی به جای تهدید، فشار و... از روش عشق‌ورزی، صمیمیت و احترام بهره ببرند. به عبارتی باید گفت؛ به جای ورود به مغز کودکان باید به قلبشان نفوذ کنیم، با این شیوه می‌توان زمینه‌خردورزی، قدرت حل مسئله و کسب مهارت‌های زندگی را فراهم کرد.

وی به والدینی که دوست دارند فرزندان متفکر و خردورز تربیت کنند، چند راهکار پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: والدین باید به این نکته توجه کنند که رفتارشان بر چه پایه‌ای استوار است؛ بیشتر از روش باید و نباید، بکن، نکن، تهدید و... استفاده می‌کنند یا زمینه‌ای را فراهم کرده‌اند تا کودک در آن رشد کند. اگر والدین به این نتیجه برسند که روش تربیت کودکشان اشتباه بوده است، باید به تدریج از فاکتورهای یاد شده فاصله بگیرند و به جای آن احترام به کودک و دوستی با وی را جایگزین کنند. به عنوان مثال اگر والدین دوست دارند فرزندان نماز اول وقت بخوانند، به درسش توجه بیشتر داشته باشد و... به جای دستور دادن از واژه‌های محترمانه استفاده کنند و اجازه دهند تا فرزندان خودش تصمیم بگیرد در این روش کودک و نوجوان اگر چه دیرتر اما کار را انجام می‌دهند.

جلوگیری از ایجاد تنش

در روش #171؛ تربیت شدن؛ باید به این نکته توجه کرد که بین والدین و فرزندان نباید تنش ایجاد شود.

تنش زمینه پرورش خلاقیت، تفکر و خردورزی را از بین می‌برد.

این تنش‌ها زمانی به وجود می‌آید که ما از کنترل‌های بیرونی استفاده می‌کنیم و انتظار داریم فرزندان هر آنچه را می‌گوییم، اجرا کنند.

در حالی که باید به خواسته‌ها و علایق کودکان هم توجه کرد.

بهتر است والدین به جای تحمیل #171؛ باید‌های؛ خود، به کودک این فرصت را بدهند که با آن‌ها مخالفت کند در این شرایط والدین با شیوه مناسب با او گفت‌وگو کنند تا به نتیجه مطلوب برسند.

شاید والدین از طریق تاکید، تهدید و تطمیع کودک به هدفشان برسند و کودک یا نوجوان به خواسته والدین عمل کند اما آیا این شیوه تربیتی درست است؟ برای توضیح بیشتر این نکته باید یادآوری کرد که هر انسانی احساس، هیجان، باور، شناخت و... دارد که حتماً باید در نظر گرفته شود و در مرحله اول والدین باید کودک و نوجوانشان را با تمام ویژگی‌هایی که دارند بپذیرند. بی‌گمان بعد از برقراری رابطه عاطفی و احساسی و بیان روشن خواسته‌ها همراه با ادب و احترام، می‌توانیم زمینه لازم را برای تربیت شدن کودک فراهم کنیم.

در #171؛ تربیت کردن؛ کودک مطابق میل والدین پرورش می‌یابد و فردی می‌شود که والدین دوست دارند اما در #171؛ تربیت شدن؛ تحت نظارت والدین، کودک فردی می‌شود که خودش می‌خواهد، در این روش مراقبت شدید والدین پذیرفته شده نیست. در #171؛ تربیت کردن؛ از کنترل‌های بیرونی مانند نصیحت، تذکر، مقایسه، تهدید، تشویق، تنبیه و... استفاده می‌شود اما در روش #171؛ تربیت شدن؛ از کنترل‌های درونی مانند نظم دهی، خودکنترلی و انگیزه‌های درونی استفاده می‌شود که این روش به خویشتنداری، رشد اخلاقی و کمال انسانی می‌انجامد. به جای ورود به مغز کودکان باید به قلبشان نفوذ کنیم، با این شیوه می‌توان زمینه‌خردورزی، قدرت حل مسئله و کسب مهارت‌های زندگی را فراهم کرد.